بسمه‌تعالی

سابقه‌ی مدیریت: 20 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی:آموزش ابتدایی سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش:

تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه:

پژوهشگر: موضوع پایان نامه ی شما چه چیزی بود؟

مدرسه اجتماع محور یا کانون تربیت محله می خواستیم ببینیم چگونه باید باشد. با رویکرد مشارکتی و با استفاده از نظرات مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین دانش آموزان در مورد ویژگی های چنین مدرسه چه نظری دارند. یا این مدرسه ای که قرار است کانون تربیت محله باشد چگونه باید باشد. ما با اینها مصاحبه کردیم و یک سری ویژگی ها رو درآوردیم. اینها رو جمع بندی کردیم به انضمام کارهای دیگری که در کشورهای دیگه انجام شده بود، موارد اونها رو هم جمع آوری کردیم در آخر کل ویژگیهای این مدرسه رو به صورت یک پرسشنامه در چندتا از مدارس شمالی و جنوبی تهران در مدارس پسرانه متوسطه دوم پخش کردیم روش تحقیق ما ترکیبی از نوع اکتشافی بود.

معماری، نوسازی مدارس بودم .

فرمودید مدارسی که ساخته میشه نوسازی خودش طراحی میکند و به خورد مدارس میده. لطفا بیشتر در موردش توضیح دهید.

در مورد سوال اول نوسازی میاد میگه من در این منطقه یک مدرسه ی ابتدایی میخوام، ما طراحی میکنیم و یکهو دوسال بعد می بینیم این مدرسه شده دبیرستان. یا دبیرستان شده اداره ی آموزش و پرورش. بگوئیم بحث نیازهای مناطق است یا ...

یک بحث دیگر سلسله نیازهای مازلوست. چیزی که هست اینکه تا وقتی مدارس ما کمبود فضا داریم دیگه دنبال مدرسه ی خوب نمی رویم. فعلا میگوئیم یک سرپناهی باشد تا دانش اموز برود فعلا درس بخواند. اما وقتی اینها یواش یواش تامین بشود،، مدارس زیاد بشود یا جمعیت دانش آموز کمتر بشود، تناسب کلاسها با تعداد دانش آموزان برقرار بشود یواش یواش می رویم سراغ کیفیت. که خب مدارس غیرانتفاعی دارند می رونند به این سمت. تعدادشان هم دارد زیاد می شود و بای اینکه بتوانند دانش آموز را جذب کنند می آیند فضاهای خوب، نورپردازی، رنگ و ... به محیط هم دارند اهمیت می دهند. در فرآیند تربیت آیتم های زیادی داریم. از خود برنامه درسی، فلسفه ی تعلیم و تربیت و ... یکی اش محیط یادگیری است که متاسفانه زیاد به آن توجه نمی شود. همین بحث سند تحول اینهمه جلسه گذاشته می شود ولی عمدتا جدا از هم هستند. مهم ترین ضعف این است که اینها باهم نیستند در صورتیکه باید باهم کار کنند. کل این مجموعه در سند هم آمده است که به عنوان یک کل واحد در آن مخاطب اثر میگذارند. دانش آموز همه را باهم می بیند. دیگر نمی گویند این ساختمان چگونه بوجود آمده مدیرش که بوده و ... اینها همه باهم جمع می شوند و در نهایت یک تاثیری بر روی مخاطب می گذارند که حالا این تاثیر می تواند خوب باشد یا می تواند خوب نباشد.

نظریه های یادگیری تغییر کرده. چه کسی باید تخصص داشته باشد در این زمینه و در طراحی فضا حضور داشته باشد و صحبتش تاثیرگذار باشد.

دانش آموزان و معلمان به عنوان کاربران اصلی این فضا می توانند مشارکت داشته باشند.

در طراحی شاید زیاد نتوانند باشند. مشارکت آنها را می شود در بخش نگهداری/بازسازی داشت.

مدیران قطعا می توانند چون در این زمینه دارند کار می کنند.

وقتی می گوئیم مشارکت به معنای نفی تخصص نیست. اینها باید بیایند در کنار طراح و کمک کنند. مشارکت باید در کنار تخصص باشد.

یک سری ویژگی های عمومی افراد می شود. یک سری شرایطی هست که آدمهایی که در مشارکت شرکت می کنند باید زمینه هایی داشته باشند.

استاد ملکیان در مورد اخلاق گفتگو مباحثی دارند و می گویند مشارکت نوعی گفتگوست.

اینکه افراد چگونه مشارکت کنند و کجا مشارکت کنند.

وقتی قرار است مدیری انتخاب کنیم اینها ویژگی های اصلی اش هست .

به این باید معتقد باشد که چیزهایی که خودش دارد ناآشکاری حقیقت است. گفتگو نخواهد کرد. . نه اینکه از قبل بداند آنچه که من میدانم حقیقت محض است و بقیه هرچه می گویند اشتباه می گویند. این یک بحث. یا عجب نداشته باشد. یک سری ویژگیهای آداب گفتگو. عجب نداشته باشد.

حلقه ی مفقوده طراحی فضاهای آموزشی این هست که یکی بیاید بگوید نظریات یادگیری تغییر کرده. الان دیگر مهم دانش آموز است. مهم یادگیری مشارکتی است و ... و متناسب با این فضاها هم باید به این سمت حرکت کند. چیدمانها دیگر مثل قبل نباید باشد. یک تسهیلگر باید این وسط وجود داشته باشد برنامه ریز بعنوان تسهیل کننده. یا معماری باشد که با نظریات یادگیری آشناست. یا متخصص یادگیری ای که طراحی بداند که این نقش را همین مدیر می تواند ایفا کند . به عنوان تسهیلگر طراحی. عنوان کسی که با بحث آموزشی آشناست. مدیری که با روابط بالا نیامده باشد. سلسله مراتب را طی کرده باشد. خودش معلم، معاون بوده باشد و ... تجربۀ زیسته داشته باشد، دانش و آگاهی طراحی داشته باشد. هم با بحث کلاسداری آشنا باشد، هم با شیطنت های بچه ها آشناست و با مباحث مدیریتی هم آشناست حالا می تواند در بحث طراحی هم اطلاعاتی داشته باشد و به عنوان کمک طراح یا تسهیلگر یا هرچیز دیگری که اسمش را بگذارید بیاید در طراحی ایفای نقش کند.

پس شما فاکتور تجربه و دانش و آگاهی طراحی را لازم میدانید.

بله. مدیرها یک سوم وقتشان را در مدرسه می گذرانند و آشنایی بیشتری دارند.

کاربرها با زیر و بم محیط بیشتر آشنا هستند و به نکاتی توجه می کنند که سایرین توجه نمی کنند. مثلا داشتیم نکاتی را که فقط دانش آموزان بهش اشاره کردند و معلم ها توجه نکردند چرا چون درگیر نبودند.

نکته ی بعدی اینکه وقتی میخواهیم یک مدرسه را طراحی کنیم یا یک مدرسه ی مطلوب یا یک کلاس مطلوب می خواهیم داشته باشیم این رو باید مشخص کنیم کلاس مطلوب برای چه کسی؟ برای دانش آموز یا برای معلم. هرکسی از دریچه دی نگاه خودش به موضوع نگاه میکند. چه دانش آموز باشد چه معلم.

یکی از موانع رو عدم هماهنگی بین دستگاهها ، نوسازی و آموزش و پرورش می بینید که هیچ همکاری باهم ندارند. موافق هستید که این یک مشکل ساختاری هست؟

نوسازی کاری به آموزش و پرورش ندارد. هیچ توجهی ندارد به نیاز اصلی. ناهماهنگی دستگاها باهم، نیازهای اولیه تحقق پیدا نکرده به نیاز اصلی نرسیدیم.

دوتا مشکل هست. یکی درون سازمانی و یکی برون سازمانی. برون سازمانی همین عدم هماهنگی بین آموزش و پرورش و نوسازی. البته در کل نوسازی زیرمجموعه ی آموزش و پرورش است اما در ... تقسیم میشن. آن بخش می شود آموزشی و این بخش عمرانی. اینها باهم نیستند. کل این مجموعه بعنوان کل واحد باید دیده شود. مهم ترین ضعفی که وجود دارد ارتباط بین بخشهاست.

یکی دیگر همین عدم هماهنگی درون سازمانیست. خود آموزش و پرورش هم یکی از مهم ترین ضعفها هم سند تحول را به شش زیرنظام تقسیم کرده اند. مهم ترین ضعف نبود نگاه جامع است. همین شکاندن باعث شده تا زیرنظام ها از هم جدا بیفتند و اصلا انگار اینها باهم ارتباطی ندارند در صورتیکه گفتیم این یک کل یکپارچه است. الان زیرنظام فضا و تجهیزات مثلا جدا شده. در صورتیکه حتی اگر می خواهند جدا کنند هم یک نماینده از هرکدام در تمام جلسات باید باشد و باید از کل به جزء حرکت کنند و چشم به بالا داشته باشند که ما در چه راستایی باید حرکت کنیم و هدفمان چیست. طبق رویکرد اکولوژی یادگیری که می گویند محیط و اینها همه موثر هستند. یا نظریات توسعه را اگر نگاه کنید برای آقای ...، نظریات روانشناسی محیط و بحث تاثیر محیط بر یادگیری در واقع همه با هم کار میکنند. بر اساس روانشناسی گشتالت عوامل موفقیت یک دانش آموز از خودش، خانواده، فرهنگ، محله، حتی محل کار والدین و .. در کنار هم باید دیده شوند. کل اکوسیستم تربیتی باید مشارکتی باشد.

راهکاری که شما ارائه دادید این هست که باید در جلسات همدیگر شرکت کنند.

با تغییرات طراحی و معماری فضا را نمیشود مناسب کرد که در همین شرایط فعلی قابل استفاده برای تعداد بیشتری دانش آموز باشد؟

کلا جمعیت دانش آموز زیاد است. یکی از راهکارها این است که راهروها که بلااستفاده هستند. مدرسه ای ایده داشت که بین کلاس و راهرو پنجره بزنیم و ابتدا مخالفت میکردند معلم ها، اما انجام شد. ما آدمها از تغییر می ترسیم احساس اضطراب میکنیم. معلم فکر میکند در چهاردیواری کلاس خودش اگر در باز باشد چه می شود یا پنجره بگذاریم چه می شود. همین بحثی که در زمان کرونا اتفاق افتاد زمانی معلم ها همه چیز در کلاس در اختیار خودشان بود و کسی متوجه کارشان نمی شد. اما وقتی آنلاین شد دیگر فایل در اختیار همه بود. و اگر یادتان باشد همان اوایل چقدر فایل آمد بیرون. اما یواش یواش عادی شد و معلم ها هم پذیرفتند چیز خاصی نبود. همینطور است. یکی از موانع مشارکت این است که آدم ها بر اساس تجربیات خودشان می آیند مشارکت می کنند. چون موارد مختلف رو ندیدند در نتیجه در اظهار نظراتشون هم اونها رو بیان نمی کنند. ما داشتیم که با مرور ادبیات و مقالات در کشورهای دیگه مقایسه میکردیم با نظراتی که اینها می دادند، می دیدیم اونهایی که سطح پایین تر بودند بهشان اشاره می کردند در مصاحبه ها اما اونهایی که تخصصی تر بود فقط در مقالات اشاره شده بود. این نشون میده آدم ها بر اساس تجربیات و تخیلات خودشون به موارد اشاره می کنند و همان بحث مشارکت در کنار تخصص هست که هر دوتا در کنار هم می توانند لازم و ملزوم یکدیگر باشند و همدیگر را کامل کنند.

یک مقدار بیشتر در مورد ظرفیت محله بگوئید.

ما بحث این طرف را داشتیم، خدماتی که مدرسه می تواند بدهد. اما اینها روی هم تاثیر دارند دیگر. یک مدرسه ی خوب باعث می شود محیط هم پیشرفت کند و برعکس هم هست، یک محیط باکیفیت باعث می شود که مدرسه اش رشد کند. اینها به صورت اسپیرال می رود بالاتر و در واقع همدیگر رو تکمیل می کنند. عکسش هم هست، مدرسه ی بد محیط را خراب میکن و محیط خراب مدرسه را خراب میکن..

ما سه تا منطقه داشتیم شمال تهران، جنوب تهران و اندیشه را داشتیم. سه تا گروه هم داشتیم. دانش آموزان، والدین و معلمان. میدیدیم نظرات دانش آموزان در مناطق مختلف با هم تفاوت داشت. اما در یک منطقه مثلا شمال نظرات همه با هم یکی بود. این تاثیر محیط را به وضوح نشان می دهد. که چقدر روی نظرات تاثیر داشت. باز این تفاوت بین دانش آموزان مناطق مختلف کمتر بودنسبت به والدین و معلمان. نشان میداد مدارس ما خیلی تفاوتی باهم ندارند! ولی در کل محله تاثیر دارد. محله اگر مسجد داشته باشد لزومی ندارد ما در مدرسه نمازخانه درست کنیم. و اگر محله نداشته باشد ما میتوانیم طوری طراحی کنیم که برای مدرسه باشد و درش دتر محله هم باز شود و به محله خدمات بدهد. یا سالن ورزشی، سینما، سالن اجتماعات داشته باشد. اگر این تعاملات باشد قطعا بهتر است. در واقع اینها باید بتوانند باهم کار بکنند. در خارج هم همینطور است ، کل شهر توسط شهردار اداره می شود. بخاطر داشتن مدیریت واحد. آموزش و پرورش می رود زیر نظر شهرداری.

در مورد کتابخانه هم همین نظر رو دارید؟ و یا آزمایشگاه.

در آزمایشگاه مساله فضا نیست. تجهیزات است. تجهیزات خیلی گران است. فضاهای مدارس دولتی ما کوچک نیستند خیلی. بیشتر بحث منابع است. در مورد کتابخانه دانش آموز هر لحظه به کتاب نیاز دارد نمیتواند برود در محله. یا حتی آزمایشگاه، چون معلم دارد درس میدهد و می خواهد در لحظه انجام بدهد. مثلا ایده می تواند این باشد که سینک در کلاس باشد. قبلا در مدارس میرفتیم آزمایشگاه، مرکزی بود. یه ساعتی آزمایشگاه ها رو می بردن.

یکی از مسائل مدیرها قوانین آموزش و پرورش بود.

چون بحث ما مساله ی معماری بود به این برنخوردیم اما جزو چالش های کار مطرح شده بود. یکیش قوانین سختگیرانه ی آموزش و پرورش. مدیرها می گفتند روانشناس خوب مثلا داریم و میخواهیم دعوت کنیم ولی نمی شود. از مهم ترین ضعف ها و چالش ها قوانین سختگیرانه است. خصوصا در بحث مدرسه محله که درب مدارس باز باشد پنجشنبه و جمعه ها. اولین مساله اش این است که حراستی می شود. چه کسی برود، چه کسی بیاید.

عبارت مدرسه محله چالش برانگیز است. چرا باید مدرسه پایگاه تربیتی محله باشد. هدف مدرسه یادگیری است اگر استفاده ی دیگری از فضا بشود چطور در خدمت هدف اصلی باشد.

مگر یادگیری فقط برای دانش آموز است؟ همه باید یاد بگیرند. می تواند کلاسهای آموزشی بگذارد. حداقلش این است که پارکینگ بشود. یا مدرسه ساعت یک تعطیل می شود، من کارمند بچه را چه کنم. در صورتیکه اگر مدرسه درش باز باشد. فقط آنجا باشد، نهایتا یک نفر هم حضور داشته باشد.

پیشنهاداتی بود که می آییم مدرسه را تجهیز میکنیم، هزینه میکنیم تنها شرطش اینکه درش باز باشد و بعدازظهرها بچه ها به عنوان پاتوق محلی بیایند آنجا یا خانواده ها بیایند استفاده کنند.

تجربه ی زیسته. داشتن دانش طراحی و آموزشی. اهل مشارکت و گفتگو باشد.

ملاک محور

ویژگی های نرم

سخت

اولیه

عمومی: عجب نداشته باشه. اهل گفتگو باشه.

نظریه های یادگیری روی بشناسه

با تاثیر محیط فیزیکی بر یادگیری آشنا باشه.

یک نخ تسبیح لازم داریم که به عنوان تسهیلگر و رابط بتواند همه را به هم مرتبط کند.

پی دی اف مقاله.

مهم ترین مشکل پول است.

مدارس یک کاردار دارند.

راهکارش در کل این است که مثل مساجد درآمد هم داشته باشند. کاربری متناسب با آموزش و پرورش که بتواند خرج یومیه ی مدرسه را درآورد.